

یکشنبه 13 آبان 1397 - 25 صفر 1440 - 4 نوامبر 2018

رحلت عالم بزرگوار و فقیه کبیر "سیدابوالحسن اصفهانی" مرجع اعلائی شیعه (1325 ش)



رحلت عالم بزرگوار و فقیه کبیر "سیدابوالحسن اصفهانی" مرجع اعلائی شیعه (1325 ش)

آیت‌الله سیدابوالحسن موسوی اصفهانی در اصل از سادات موسوی بهبهان بود که در سال 1247ش (1284 ق) در لنجان اصفهان به دنیا آمد. وی پس از تحصیلات مقدماتی در اصفهان، عازم حوزه علمیه نجف شد و از محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی بهره‌مند شد. آیت‌الله اصفهانی در دور دوم مجلس شورای ملی به عنوان یکی از پنج عالم طراز اول به مجلس رفت اما پس از مدتی به دلیل مشاغل و مسافت زیاد استعفا کرد. ایشان پس از آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی، به همراه میرزای نایینی عهده‌دار مرجعیت شیعه شد و مرجع خاص و عام گردید. این عالم بزرگوار در حمله وهابی‌ها و سعادتی‌ها به عراق، به همراه بسیاری از علما، در مقابل تجاوز آنان مقاومت کرده و همچنین انتخابات فرمایشی عراق را تحریم نمود. ایشان در جریان مبارزه مردم عراق علیه انگلیسی‌ها نقش سیاسی بارزی ایفا کرد و در این رابطه می‌توان به فتوای ایشان در خصوص حفظ سرزمین عراق و اماکن متبرکه و ترغیب مردم در جهاد اشاره نمود. با ارتحال میرزا محمدحسین نایینی و حاج شیخ‌عبدالحکیم حائری یزدی در سال 1315ش، مرجعیت شیعه به صورت تمام به وی محول شد و تنها مرجع مسلم شیعیان گردید. از آن پس، ایشان به مدت ده سال بر مسند ریاست حوزه علمیه نجف تکیه زد. این تمرکز مرجعیت و قبول شیعیان عالم در وجود هیچ مرجعی قبل آیت‌الله اصفهانی دیده نشده بود. تبحر او در علوم شرعی و معارف اسلامی و ملکات و مکارم اخلاقی و حلم و جود و بزرگواری و موقع‌شناسی و روابط دوستانه‌ای که با دولت‌های اسلامی به ویژه بلاد شیعه برقرار کرده بود و اطمینانی که دولت‌های بزرگ به نظر او داشتند سبب شد که نه تنها سفر طلاب از شرق و غرب عالم به نجف بلامانع شود، بلکه مشکلی نیز در انتقال وجوه شرعی از کشورهای دیگر به محضر ایشان پیش نیامد. ایشان در طول سالیان دراز، شاگردان فرهیخته‌ای پرورش داد. همچنین وسیله‌ی النجاة، ذریعة الحیة و ذخیرة الصالحین از جمله آثار ایشان است. سرانجام این مرجع اعلائی شیعه در سیزدهم آبان 1325 ش برابر با نهم ذی‌الحجه 1365 ق در هشتاد و هشت سالگی در کاظمین به جوار رحمت حق شتافت و در جوار استادش، آخوند خراسانی، در نجف به خاک سپرده شد.

تبعید "امام خمینی" (ره) از قم به ترکیه توسط ایادی رژیم فاسد پهلوی (1343 ش)

کابینه اسدالله علم در مهرماه 1342 به دستور شاه، پیشنهاد آمریکا مبنی بر اعطای مصونیت قضایی به اتباع آمریکا را به صورت یک لایحه قانونی در هیئت دولت تصویب کرد و در اوایل 1343ش از تصویب مجلس شورای ملی و سنا نیز گذشت. وقتی این خبر محرمانه به امام رسید، ایشان تصمیم گرفتند حقایق را به مردم گفته و آنها را از فاجعه بزرگی که به دست رژیم به وقوع پیوسته بود باخبر کنند. بنابراین پس از تبادل نظر با علمای بزرگ حوزه، در چهارم آبان 1343، با ایراد نطقی تاریخی، رژیم را رسوا کرده و مفاصد کاپیتولاسیون را مطرح نمودند. به دنبال اعتراض شدید و گسترده امام خمینی علیه تصویب لایحه اعطای حق کاپیتولاسیون به اتباع آمریکایی مقیم ایران، ماموران مسلح شاه، نیمه شب سیزدهم آبان 1343، خانه امام را در قم محاصره کرده و از بالای دیوار، وارد منزل شدند. آنان امام را دستگیر و با اتومبیل به تهران منتقل کردند و از آنجا مستقیماً به ترکیه تبعید نمودند. این تبعید با واکنش شدید اقشار مردم مواجه شد و تظاهرات بسیاری در شهرها به راه افتاد.

کشتار دانش‌آموزان در دانشگاه تهران توسط مزدوران رژیم پهلوی و روز دانش‌آموز (1357 ش)

در 13 آبان 1357، صدها دانش‌آموز و دانشجو در چهاردهمین سالگرد تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه، در دانشگاه تهران گرد آمدند تا بار دیگر پیوندشان را با رهبر بت‌شکن خویش به جهان اعلام نمایند. در ابتدا چند گلوله حاوی گاز اشک‌آور به سمت آنان پرتاب گردید و با رساتر شدن شعارهای تجمع‌کنندگان، تیراندازی نیز آغاز شد. این درگیری‌ها صبح و بعدازظهر ادامه یافت و دشمنان اسلام را بیش از پیش به رسوایی و شکست کشاند. در این فاجعه، 56 تن شهید و صدها نفر مجروح شدند. حضرت امام از پاریس در پیامی به این مناسبت فرمودند: "عزیزان من صبور باشید که پیروزی نهایی نزدیک است. من از این راه دور چشم امید به شما دوخته‌ام و صدای آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی شما را به گوش جهانیان می‌رسانم." از آن تاریخ به بعد، سیزدهم آبان ماه با عنوان روز دانش‌آموز، به عنوان حماسه خونین لاله‌های انقلاب در جریان نهضت اسلامی، گرامی داشته می‌شود.

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز مبارزه با استکبار جهانی (1358 ش)

با پیروزی انقلاب اسلامی، باران توطئه‌ها و باریدن گرفت و شیطان بزرگ، آمریکا، با دخالت‌های آشکار و پنهان، سعی در ایجاد جریان‌های انحرافی در نهضت مردمی داشت. همچنین در سراسر کشور به ویژه در

دانشگاه‌ها؛ حرکت‌ها؛ هایی صورت می‌گرفت تا جو سیاسی جامعه را پیچیده کرده و به نفع آمریکا به پیش ببرند. در چنین شرایطی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، با درک فرمایش امام مبنی بر این که همه گرفتاری‌های ما از آمریکاست، به عنوان لیبک به بیانات امام و وادار کردن آمریکا به استرداد شاه و اموال ملت ایران، سفارت آمریکا در تهران را به تصرف خود درآوردند. فردای آن روز، امام، حرکت دانشجویان را تایید کردند و آن را انقلابی بزرگ؛ تر از انقلاب اول خواندند. با فتح لانه جاسوسی، علاوه بر افشای ماهیت چهره‌ها؛ هائی سازشکار داخلی ودمیده شدن روحیه بیداری، هوشیاری، وحدت و همبستگی در امت مسلمان، ابهت پوشالی آمریکا در جهان شکسته بشد و هیئت حاکمه آمریکا را به خفت کشاند. آغاز هفته تربیت اسلامی (13 تا 19 آبان)

مسأله تربیت، مسأله حیات و ممات ملت هاست و بنای آن در خانواده آغاز و در محیط آموزش و اجتماع تکمیل می‌گردد. تربیت به معنای باروری و شکوفایی بذرهائی نهفته و کشف گنجینه‌ها؛ هائی پنهان در وجود انسان است. همچنین مربی، رسول آگاهی، رشد، خویشتن‌شناسی و دگرسازی است. از این رو به علت اهمیت فوق‌العاده امر تربیت در به کمال رساندن انسان، دولت جمهوری اسلامی ایران، در سال 1359 ش از سیزدهم تا نوزدهم آبان ماه هر سال را هفته تربیت نام نهاد که نخستین روز آن، روز دانش‌آموز نام گرفته است. تولد "فردریک بانتینگ" پزشک کانادایی و کاشف انسولین (1891م)

فردریک گرائت بانتینگ، دانشمند کانادایی در 4 نوامبر 1891م در کانادا متولد گردید و تحصیلات خود را در رشته پزشکی دانشگاه تورنتو ادامه داد تا اینکه در سال 1922م موفق به اخذ دکترای طب شد. فردریک از 29 سالگی به عنوان محقق در دانشگاه به کار پرداخت و به مدت 20 سال تا سال 1941م استاد دانشگاه تورنتو بود. بانتینگ مدتی نیز در کشورهای انگلستان و فرانسه، به تحقیق و مطالعه پرداخت. در 27 ژوئیه 1922م آزمایش‌ها و تلاش وی به نتیجه رسید و به همراه دو تن از همکارانش موفق به جداسازی هورمون انسولین شد. این مسئله، انقلابی در درمان بیماری قند به وجود آورد و باعث شهرت این پزشک 30 ساله گردید. پاسخ مثبت آزمایشات بانتینگ بر روی حیوانات، به استفاده از انسولین در بیماران قندی از سال 1923م منجر گردید که به نجات جان میلیون‌ها انسان انجامید. بانتینگ در همین سال به پاس این اکتشاف علمی برنده جایزه نوبل پزشکی شد. غده فوق کلیوی و سرطان، زمینه‌ها؛ هائی دیگر مطالعات وی بود. دکتر بانتینگ علاوه بر نوبل، جوایز متعدد دیگری از جمله مدال ستاره طلایی از دانشگاه تورنتو، مدال انجمن پادشاهی کانادا، عنوان شوالیه جایزه انجمن فیزیولوژیست‌ها؛ هائی آمریکا و... را به دست آورد. وی سرانجام در 21 فوریه 1941م در پنجاه سالگی درگذشت.